

نقدِ صریح

جستارهایی از مارسل ریش - رانیتسکی
درباره‌ی ادبیات آلمانی

www.ketab.ir

مارسل ریش - رانیتسکی / سعید رضوانی

This is a Persian translation of
*Sieben Wegbereiter: Schriftsteller des zwanzigsten Jahrhunderts: "O sink
 hernieder, Nacht der Liebe" & "Unser Biberkopf und seine Mieke";
 Die Anwälte der Literatur: "Der Epiker als Kritiker";
 Entgegnung: Zur deutschen Literatur der siebziger Jahre: "Marrakesch ist überall";
 Deutsche Literatur heute: "Lyrik und Prosa der Ingeborg Bachmann"*
 by Marcel Reich-Ranicki
 Translated by Saeid Rezvani
 Agah Publishing House, Tehran, 2021
 info@agahbookshop.ir

سرشناسه: رایش-رانیتسکی، مارسل، ۱۹۲۰-۲۰۱۳م.

Reich-Ranicki, Marcel, 1920-2013

عنوان و نام پدیدآور: نقد صریح: جستارهایی از مارسل ریش-رانیتسکی درباره‌ی ادبیات آلمانی /

مارسل ریش-رانیتسکی؛ ترجمه‌ی سعید رضوانی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات آگاه، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م. ۱۱۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۶-۴۴۷-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه چهار مقاله از سه کتاب با عنوان "Sieben Wegbereiter: Schriftsteller des zwanzigsten Jahrhunderts: Arthur Schnitzler, Thomas Mann, Alfred Döblin, Robert

Thomas Mann und die Seinen "Musil, Franz Kafka, Kurt Tucholsky, Bertolt Brecht

Entgegnung: zur dt. Literatur d. siebziger Jahre" است

موضوع: ادبیات آلمانی -- قرن ۲۰م. -- تاریخ و نقد

موضوع: ادبیات آلمانی -- قرن ۲۰م. -- تاریخ و نقد
 German literature -- 20th century -- History and criticism

شناسه‌ی افزوده: رضوانی، سعید، ۱۳۴۷ - مترجم

رده‌بندی کنگره: PT۴۰۱

رده‌بندی دیویی: ۸۳۰/۹۰۰۹۱۴

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۸۴۷۶۱۷۹



مارسل ریش-رانیتسکی

نقد صریح

جستارهایی از مارسل ریش-رانیتسکی درباره‌ی ادبیات آلمانی

ترجمه‌ی سعید رضوانی

چاپ یکم ترجمه‌ی فارسی: پاییز ۱۴۰۰، طراحی و نظارت بر چاپ: دفتر نشر آگاه

چاپ و صحافی: فرهنگ بان

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.

انتشارات آگاه

خیابان انقلاب، بین منیری جاوید و ۱۲ فروردین، شماره‌ی ۱۳۴۰، تهران ۱۳۱۴۶

تلفن: ۶۶۴۶۰۹۳۲، ۶۶۴۶۷۲۳۲

فروش اینترنتی: www.agahbookshop.com

قیمت: ۳۶,۰۰۰ تومان

فهرست

۹	مقدمه‌ی مترجم
۲۵	فصل یکم: «مراز آ، ای شب عشق»
۴۵	فصل دوم: راوی موشش منتقد
۶۷	فصل سوم: بیبرگُفِ ما و میثمه اش
۸۳	فصل چهارم: همه جا مراکش است
۹۳	فصل پنجم: شعر و نثر اینگیورگ باخمان
۱۱۱	نمایه

مقدمه‌ی مترجم

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از پنج جستار در نقد ادبی به قلم مارسل ریش-رانیتسکی^۱، نویسنده و روزنامه‌نگار آلمانی-لهستانی. ریش-رانیتسکی مشهورترین و منتقدترین منتقد ادبی آلمان پس از جنگ جهانی دوم بود و تا هنگام مرگ، در سال ۲۰۱۳، نقش و جایگاه بی‌مانند خود را در فضای ادبی آلمان حفظ کرد. او به سال ۱۹۲۰ در لهستان، از پدری لهستانی و مادری آلمانی که هردو یهودی بودند، زاده شد. ریش-رانیتسکی در «تساووک»^۲ لهستان و در برلین بزرگ شد و سال ۱۹۳۸ در برلین دیپلم متوسطه را اخذ کرد، اما حکومت نازی به او که یهودی بود اجازه‌ی ورود به دانشگاه را نداد. او در همان سال ابتدا زندانی، سپس به لهستان بازگردانده شد. ریش-رانیتسکی از نوامبر سال ۱۹۴۰ در گتوی ورشو محصور بود، تا آن‌که در ژانویه ۱۹۴۳ موفق به فرار شد. او در سال ۱۹۵۸ به آلمان مهاجرت کرد و تا پایان عمر ساکن این کشور بود. وی ابتدا از اوت سال ۱۹۵۸ مدت کوتاهی در روزنامه‌ی *فرانکفورتر آلگمینه تسیتونگ*^۳ در مقام منتقد ادبی قلم زد و پس از آن، از ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۳، منتقد ادبی هفته‌نامه‌ی *دی تسیت*^۴ در

1. Marcel Reich-Ranicki

2. Włocławek

3. *Frankfurter Allgemeine Zeitung*

4. *Die Zeit*

هامبورگ بود. ریش-رانیسکی سال ۱۹۷۳ دوباره به فرانکفورت^۱ آلمانیه تسیتونگ بازگشت و سرپرستی بخش ادبی این روزنامه‌ی معتبر را به عهده گرفت. او فرانکفورت^۲ آلمانیه ... را به «ادبی‌ترین» روزنامه‌ی آلمان بدل کرد و خود نیز طی پانزده سال همکاری با آن به اوج شهرت و اعتبار، هم‌چنین نفوذی فراگیر در جامعه‌ی ادبی آلمان رسید.

ریش-رانیسکی در کنار نویسندگانی مانند هینریش بل^۳ و گونتر گراس^۴ و منتقدانی همچون یواخیم کایزر^۵ و آندری تادینوش ویرت^۶ از شرکت‌کنندگان در جلسات گروه ۴۷^۷ بود. مجمعی که نقشی کانونی در دگرگونی و رستاخیز ادبیات آلمانی پس از جنگ جهانی دوم ایفا کرد. او هم‌چنین در زمره‌ی دست‌اندرکاران جایزه‌ی ادبی اینگبورگ باخمان^۸، از معتبرترین جوایز ادبی در قلمرو زبان آلمانی، و جایزه‌ی ادبی فرانتس کافکا^۹ بود. «مربع ادبی»^{۱۰}، برنامه‌ای از «تلویزیون دوم آلمان»^{۱۱} برای معرفی و نقد کتاب با شرکت چهار منتقد، که ریش-رانیسکی طراح و طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۱ صحنه‌گردان آن بود شهرت او را از مرزهای جامعه‌ی ادبی فراتر برد و او را به عموم دوستداران ادبیات شناساند. اعتبار اجتماعی ریش-رانیسکی به اندازه‌ای بود که پس از درگذشتش سرشناس‌ترین چهره‌های حیات سیاسی و اجتماعی آلمان، از جمله یواخیم گاوک^{۱۲}، رئیس‌جمهور وقت این کشور، در مراسم یادبودش شرکت کردند. این مایه توجه به یک منتقد ادبی بی‌تردید از

۱. برنده‌ی جایزه‌ی ادبی نوبل در سال ۱۹۷۲.

۲. برنده‌ی جایزه‌ی ادبی نوبل در سال ۱۹۹۹.

3. Joachim Kaiser (1928–2017)

4. Andrzej Tadeusz Wirth (1927–2019)

5. Gruppe 47

6. Ingeborg-Bachmann-Preis

7. Cena Franze Kafky

8. Das literarische Quartett

9. Zweites Deutsches Fernsehen

10. Joachim Gauck

اهمیت ادبیات در جامعه‌ی آلمان حکایت دارد، اما هیچ منتقد دیگری در تاریخ آلمان از آن برخوردار نبوده است.



ریش-رانیسکی در مقام منتقد می‌خواست پیوندهای جامعه با ادبیات را تقویت کند و بر شمار خوانندگان ادبیات متعالی بیفزاید. وی از این رو برای عموم علاقه‌مندان به ادبیات می‌نوشت، نه برای گروهی متخصص. شیوه‌ی کارش تا پایان عمر همان بود که در ۱۸ مارس ۱۹۹۳، در آغاز یکی از برنامه‌های «مربع ادبی»، اعلام کرد: ما درباره‌ی کتاب سخن خواهیم گفت، «آن‌چنان‌که همیشه سخن می‌گوییم، یعنی محبت‌آمیز و با کمی شیطننت، بزرگوارانه و شاید اندکی خبیثانه، اما بی‌تردید بسیار روشن و صریح، زیرا [...] صراحت ادب نقد و منتقد است.» باری نقد ریش-رانیسکی صریح، به دور از تعقید و مناسب حال مخاطب عام ادبیات است. صراحت و روشنی نه فقط در روش و رویکرد او، که در زبان او نیز تجلی نام دارد. ضمناً زبان نقد ادبی ریش-رانیسکی، در عین سادگی، خود واجد پاره‌ای ارزش‌های ادبی است و در بسیاری از آثارش طنزی هوشمندانه و گزنده نیز دربر دارد.

این‌که نقد ریش-رانیسکی عموم دوستداران ادبیات را مخاطب می‌سازد نافی منزلت آن نیست. او بر ادبیات آلمانی زبان اشرافی کم‌نظیر و در تمیز غث و سمین آن — به‌رغم اشتباهات گاه جنجال‌برانگیزش — شمی قوی داشت. مطالعات بسیار گسترده و روابط وسیعش با اثرآفرینان، اعم از شاعر و داستان‌سرا و نمایش‌نامه‌نویس، طی دهه‌ها او را با ظرایف و دقایقی آشنا ساخته بود که مایه‌ی قوت قلم منتقدان بزرگ و وجه تمایز آثار آنان از نوشته‌های کارآموزان است. فراتر از ادبیات آلمانی که حوزه‌ی تخصص ریش-رانیسکی بود، آشنایی او با ادبیات مغرب‌زمین به‌طور کلی نیز تحسین‌برانگیز است. با این همه ناگفته پیداست منتقدی که همه‌ی خوانندگان ادبیات را مخاطب می‌گیرد لاجرم جنبه‌ی آکادمیک نقد را فرو خواهد گذاشت و از پاره‌ای مباحث تخصصی این شاخه از علوم ادبی به دور خواهد ماند. آری، آثار ریش-رانیسکی ربط چندانی به نقد ادبی آکادمیک و لواحق آن، از جمله مبحث نظریه‌های ادبی، ندارد. البته نیش و

کنایه‌هایی که او هرازگاه به نقد آکادمیک می‌زند حاکی از آن است که رویکرد «غیر آکادمیک» را نه از سر غفلت، بلکه آگاهانه اتخاذ کرده و بی‌اعتنایی خود به نقد آکادمیک را مایه‌ی مباحثات می‌داند. با این حال او در چند دانشگاه اروپایی و آمریکایی نیز تدریس و از قریب به ده دانشگاه اروپایی دکترای افتخاری دریافت کرد. این نکته نیز شایان ذکر است که ریش-رانیسکی، اگرچه به رویکرد آکادمیک در نقد ادبی بی‌اعتنا بود، خود را از دستاوردهای دانشگاهیان در سایر علوم ادبی محروم نمی‌گذاشت، خصوصاً از یافته‌های پژوهشگران تاریخ ادبیات بهره‌ی وافی می‌برد.

ریش-رانیسکی در نقد ادبی از ابراز عواطف ابا نداشت و در حق آثار و صاحب‌اثران گاه با پرشورترین ستایش‌ها سخن می‌گفت، گاه سخت‌ترین نکوهش‌ها را روا می‌داشت. این ویژگی، در جنب شهرت و اعتبارش در جامعه‌ی ادبی، موجب شده بود او را «پاپ ادبیات»^۱ لقب دهند. هرچند این عنوان در وهله‌ی اول به افتخار و شأن ریش-رانیسکی اشاره دارد، پیداست که در آن تعریفی به احکام قاطع و مستبدانه‌اش در مقام منتقد و اعتبار مطلق که او برای آن‌ها قائل بود مضمّن است. همین احکام که ریش-رانیسکی از جایگاه خدایگانی صادر می‌کرد بارها به منازعاتی میان او و نامورترین چهره‌های ادبیات آلمانی منجر شد.

ریش-رانیسکی در زمره‌ی بهترین شناسندگان توماس مان و آثار او، اعم از داستانی و غیرداستانی، بود. او توماس مان را در ادبیات آلمانی حائز مرتبه‌ای ویژه و از پس گوته بی‌همتا می‌شناخت، هم از این رو درباره‌ی هیچ‌یک از اثرآفرینان آلمانی چندان‌که در معرفی توماس مان و نقد آثارش قلم زده ننوشته است. کتاب *قطر توماس مان و منسوبانش*^۲ تنها پاره‌ای از مطالب پربار و خواندنی ریش-رانیسکی درباره‌ی توماس مان و ادبیات او را دربر گرفته است. او توماس مان را پیوسته مستقیم و غیرمستقیم با گوته مقایسه می‌کرد و

1. Literaturpapst

2. Thomas Mann und die Seinen (1987)

شباهت‌های فراوانی میان آن دو می‌دید. البته ریش-رانیسکی در نوشته‌های خود گهگاه بر عیوب آثار توماس مان نیز انگشت می‌نهد، اما این موارد در مقایسه با ستایش‌های بی‌دریغی که «پاپ ادبیات» نثار خالق *کوه جادو*^۱ می‌کند ناچیز است. ریش-رانیسکی در شیفتگی نسبت به توماس مان تا آن‌جا پیش رفته بود که حتی پاره‌ای لغزش‌های یهودی‌ستیزانه را بر او ببخشايد _ لغزش‌هایی که در جستار «فرز آ، ای شب عشق»^۲ با نمونه‌هایی از آن‌ها آشنا می‌شویم. ناگفته نماند که همین منتقد دو نویسنده‌ی بزرگ آلمانی مارتین والزر^۳ و گوئتر گراس را آماج اتهام واهی یهودی‌ستیزی ساخت و به اعتبار ادبی و اجتماعی آن‌ها سخت لطمه زد.

ارادت ریش-رانیسکی به توماس مان گاه جلوه‌ای ناخوشایند دارد، فی‌المثل وقتی او کسوت قضاوت بر تن می‌کند، تا میان توماس مان و برادر بزرگ‌ترش، هینریش مان^۴، به داوری بنشیند. رابطه‌ی پرتنش و رقابتِ توأم با عداوت این دو برادر نویسنده فصلی از تاریخ ادبیات آلمانی در قرن بیستم است. برادر بزرگ‌تر چند سالی زودتر از توماس مان پا به عرصه‌ی نویسندگی گذاشت و به شهرت رسید. اما توماس مان در همان سال‌های جوانی از وقیب پیشی گرفت و تا به امروز در آلمان و جهان از شهرت و اعتبار بیش‌تری برخوردار است. با این حال هینریش مان، که از سال ۱۹۳۰ تا زمان تشکیل حکومت نازی در سال ۱۹۳۳ ریاست بخش ادبیات «فرهنگستان هنرِ پروس»^۵ را عهده‌دار بود، آثاری درخور توجه از خود به‌جا گذاشته است _ آثاری که شماری از آن‌ها، افزون بر ارزش ادبی، نظر به محتوای سیاسی-اجتماعی روشنگریشان جایگاهی انکارناپذیر در تاریخ اندیشه‌ی آلمانی در قرن بیستم دارند. ریش-رانیسکی هرگز نتوانست آثار هینریش مان را جز از طریق مقایسه‌ی آن‌ها با نوشته‌های برادر کوچک‌ترش

1. *Der Zauberberg* (1924)

2. „O sink hernieder, Nacht der Liebe“

3. Martin Walser

4. Heinrich Mann (1871–1950)

5. Preußische Akademie der Künste